

خبر

انتشار دیجیتالی کلاسیک‌ها

سایت آمازون نسخه الکترونیکی ۲۰ اثر کلاسیک متعلق به انتشارات وایلی را منتشر می‌کند.
سایت آمازون روز پنجشنبه از انتشار نسخه الکترونیکی ۲۰ اثر کلاسیک متعلق به انتشارات وایلی از نویسندگانی چون «فیلیپ راث» و «جان میلر» خبر داد.
به گزارش ایسنا فعالیت‌های اخیر آمازون نشانه رقابتی فزاینده در عرصه آثار دیجیتالی میان کمپانی‌های سازنده نرم‌افزارهای «کیندل»، «آی‌پاد» و «توک» است.
به گزارش رویترز، قرارداد انتشارات وایلی با آمازون برای انتشار نسخه‌های الکترونیکی آثار کلاسیک، می‌تواند سازندگان نرم‌افزارهای خوانند نسخه‌های الکترونیکی را جهت جذب مشتری به گرفتن امتیاز چاپ آثار کلاسیک ترغیب کند.
بنابراین گزارش، این اولین باری است که کتاب‌های «شکایت پورتونی» و «Ficciones» اثر «خورخه لوئیس بورخس» نویسنده آرژانتینی به شکل نسخه الکترونیکی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.
همچنین تمام این آثار به مدت دو سال در انحصار نرم‌افزار کیندل خواهد بود.

□

کتاب‌های دیجیتال نابینایان دو برابر می‌شود

با تمهیدات «بروستر کال» صاحب کتابخانه دیجیتال آرشو- از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های دیجیتال جهان- حجم عناوین آثار دیجیتال ویژه نابینایان و ناتوانان حرکتی به دو برابر می‌رسد، به گزارش ایبنا به نقل از پایگاه خبری کرونیکل، بروستر کال با جذب حمایت‌های مالی دولتی و همکاری صدها متخصص دیجیتال‌سازی اسناد مکتوب، پروژه‌ای تازه برای مضاعف کردن حجم عناوین آثار دیجیتال ویژه نابینایان و ناتوانان حرکتی را کلید زده است.
«آرشو» کتابخانه دیجیتال آقای کال که از سال ۲۰۰۴ تاسیس شده، بالغ بر یک میلیون عنوان کتاب دیجیتال گویا را دربرمی‌گیرد. آثار این مجموعه به راحتی قابلیت بارگذاری از طریق اینترنت روی کتابخوان دیجیتال را دارا هستند. این آثار که شباهت چندانی به کتاب‌های صوتی نوار ضبط صوت ندارند، دارای قابلیت تنظیم سرعت خوانش و جابه‌جایی بین فصول کتابند.
کال می‌گوید: «هر ماه در مجموع بالغ بر هفت میلیون کتاب دیجیتال از کتابخانه آرشو بارگذاری می‌شود. با ۲۰ مرکز دیجیتال‌سازی در امریکا و هشت مرکز در سایر کشورهای جهان، روزانه ۱۰۰۰ عنوان کتاب از بیش از ۱۵۰ کتابخانه جهان چون کتابخانه گنگره امریکا، به پایگاه آرشو اضافه می‌شود.»
در کتابخانه دیجیتال کال از کلاسیک‌هایی چون «غرور و تعصب» جین آستین، پرفروش‌هایی چون «گروگ و میش» استفانی می‌هر و رامه‌ای آسان پولدار شدن چون «۹ قدم برای آزادی مالی» پیدا می‌شود.

□

رونمایی دست‌نویس‌های کافکا

دوشنبه ۲۸ تیر (۱۹ ژوئیه) در بانکی در زوریخ، صندوق‌های محتوی دست‌نوشته‌ها و نقاشی‌های فرانتس کافکا نویسنده فقید، باز شد. این اقدام تاثرترین مرحله در نزاع حقوقی بر سر مالک واقعی این برگه‌ها به شمار می‌آید.
خواهر می‌گویند آنها این برگه‌ها را از مادرشان به ارث برده‌اند، ولی دولت اسرائیل مدعی است که این آثار بخشی از میراث فرهنگی کشور است.
محتویات این صندوق را یک کارشناس آثار کافکا بررسی خواهد کرد و بعداً به قاضی پرونده گزارش خواهد داد.
فرانتس کالکا را از آژان‌ترین نویسندگان قرن بیستم به شمار می‌رود. او در ۴۰ سالگی در سال ۱۹۲۴ درگذشت.
آخرین وصیت او عملی شده بود، رمان‌هایی نظیر محاکمه و قصر هیچ‌گاه منتشر نمی‌شد. کافکا از دوست نویسنده‌اش (ماکس برود)، خواسته بود همه دست‌نوشته‌هایش را بعد از مرگش بسوزاند. برود این وصیت را عملی نکرد و رمان‌ها را به دست ناشر سپرد. ماکس برود که یهودی بود، از بیم پیگرد نازی‌ها در سال ۱۹۳۹ از پراگ به لتاویو فرار کرد و او تمام دست‌نوشته‌های کافکا را در چمدانی به همراه خود به اسرائیل برد. برود آنها را به منشی‌اش (استر هوفه) سپرد و منشی‌اش این دست‌نوشته‌ها را برای دو دخترش به ارث گذاشت. در ۵۰ سال گذشته، این برگه‌ها در صندوق بانک‌هایی در تل‌آویو و زوریخ قرار گرفتند.
ولسی وقتی این دو دختر- که هر دو اکنون در دهه ۷۰سالگی‌اند- خواستند قسمتی از این برگه‌ها را بفروشند، درگیر نزاعی حقوقی شدند. رژیم صهیونیستی مدعی است این آثار بخشی از میراث فرهنگی این کشور است و دلیلش را یهودی بودن کافکا می‌داند.

خواهرها می‌گویند این برگه‌ها ارث قانونی آنهاست و می‌توانند هر جور که خواستند از آن استفاده کنند. در همین حال، آرشو ادبی آلمان پیشنهاد داده است که این دست‌نویس را خریداری کند. بر اساس حکم یک قاضی در تل آویو، چهار صندوقچه در زوریخ فقط در برابر چشمان کارشناس آثار کافکا باز خواهد شد تا محتویات آنها را شمارش کند و به قاضی گزارش دهد. برای علاقه‌مندان آثار کافکا، راز آثار به جامانده از کافکا همچنان ناگشوده باقی خواهد ماند. آرشو ادبی رژیم صهیونیستی عقیده دارد که آثار کافکا به میراث ملی قوم یهود تعلق دارد، ماکس برود با فروش آنها مخالف بوده و وارثان او حق فروش آنها را نداشته‌اند. این مرکز همچنین قصد دارد از فروش سایر دست‌نوشته‌های کافکا و انتقال آنها به خارج جلوگیری کند. گفته می‌شود برخی از نوشته‌های دیگر کافکا مانند نامه‌های بی‌شمار او و آثاری مانند «تدارک عروسی در دهکده» همچنان در فلسطین اشغالی محفوظ هستند و آرشو ادبی فلسطین اشغالی می‌خواهد به دست آوردن آنها اقدام حقوقی کرده است.
فرانتس کافکا در خانواده‌ای یهودی در چکسلواکی به دنیا آمد، اما تمام کارهای خود را به زبان آلمانی نوشت. برخی مترجمان ایرانی مانند علی‌اصغر حداد، فرامرز بهزاد، امیرجلال‌الدین اعلم و فرزانه طاهری ترجمه‌هایی از داستان‌های کافکا را به زبان فارسی برگردانده‌اند.

نویسنده‌های ما خجالت می‌کشند بگویند کتاب‌شان ویراستار دارد. همان‌طور که مردم از رفتن پیش روانپزشک خجالت می‌کشند

نویسنده‌ها هم شرم می‌کنند از اینکه کتاب‌شان را ببرند پیش یک ویراستار. اینها حرف‌های علی میرزایی در نشست سه‌شنبه پیش شهر کتاب است که به معرفی کتاب «ویرایش از زبان ویراستاران» اختصاص داشت. این کتاب مقالاتی است که چند ویراستار آمریکایی درساره تجربیات خود نوشته‌اند و مژده دقیقی و گروهی از مترجمان آن را ترجمه کرده‌اند و ناشرش نشر مهناز است.
علی صلح‌جو، فرخ امیرفریار، حسن میرعابدینی و مژده دقیقی درباره این کتاب حرف زدند و برق از سه‌فار ما پدید که کتاب آن طرف یعنی چه و این طرف یعنی چه و ویراستاری در آمریکا چه اهمیتی دارد در حالی که اینجا نویسندگان ازش فراری هستند. کسانی که در این نشست سخنرانی کردند همه حسرت به دل چیزهایی را که از این کتاب درباره ویراستاری دریافته‌اند بازگو کردند.
علی صلح‌جو که

خودش ویراستار است، گفت ویراستاری در آنجا با اینجا تفاوت زیادی دارد و بخشی از این تفاوت به دلیل این است که ما خبر نداشتیم آنجا ویراستاری چطور است. آنجا ویراستار اقتدار زیادی دارد. نویسنده بدون اینکه از فیلتر ویراستار عبور کند دستش به ناشر نمی‌رسد. قبل از اینکه کتاب به دست ناشر برسد یک حلقه سه‌گانه‌ای از نویسنده، کارگزار و ویراستار تشکیل می‌شود. کارگزار واسط بین ویراستار و نویسنده است. دست این دو را در دست هم می‌گذار و بعد فرآیند طولانی بین ویراستار و نویسنده به وجود می‌آید. نویسنده کتابش را می‌دهد و ویراستار و او اول ایرادهای کلان کتاب را می‌گیرد و نویسنده کتاب را می‌برد تا این ایرادا را رفع کند. نویسنده اثر را با دیدی که ویراستار دارد تغییر می‌دهد و دوباره ویراستار روی ویرایش جدید نظر می‌دهد. یک روش دیگر هم وجود دارد که ویراستار نویسنده را صید و کشف می‌کند، چیزی که ما نداریم و از آن غافل هستیم. اینجا ناشر می‌شنید تا نویسنده برود سراغش و بعضی مواقع چون نویسنده کتاب اولش است، ناشر رغبتی به چاپ کتاب ندارد.

آنجا ویراستار گزارشی به موسسه خود می‌دهد و کار را برای ناشر ارزشگذاری می‌کند. ما هم فرآیند ارزشیابی داریم و آن را بر می‌کنیم که فرمالیت‌است اما گزارش‌هایی که آنها درباره کتاب می‌دهند گاه تا ۱۵ صفحه است. اما در نهایت با همه این تغییرات کتاب مال نویسنده است نه ویراستار. اینجا بر خورد‌هایی می‌بینیم که ویراستار خودش را مالک کتاب حس می‌کند و نویسنده را تحقیر می‌کند. کتاب‌ها گاهی به دست پزشک کتاب می‌رسد. پزشک کتاب کارش این است که از گالیهای کتاب جلوگیری کند. مثلاً توی کتاب درباره یک نوع ورزش، نحوه بازی کردنش و امتیازبندی و سایر ریزه‌کاری‌ها صحبت شده که پزشک کتاب اطلاعات مربوط به آن را چک و تصحیح می‌کند. توی فرم‌های ارزشیابی از ویراستاران می‌پرستند به نظر شما این کتاب چند نسخه می‌فروشد. اما اینجا وقتی از ویراستاری می‌پرستند ویراستار نمی‌داند چون با بازار بیگانه است. ویراستار بعد از چاپ کتاب می‌رود توی یک کتابفروشی و با خریداران کتاب حرف می‌زند و نظرشان را درباره کتاب می‌پرسد و بازخورد می‌گیرد و این طوری با بازار همیشه در ارتباط است. اما ما چه؟ در عوالم دیگری هستیم.

حسن میرعابدینی داستان‌نویس گفت: صنعت نشر ما قابل مقایسه با صنعت نشری که ویراستاران این کتاب ازش صحبت می‌کنند، نیست. ناشران ما نیازی به پرورش ویراستار نمی‌بینند. ویراستار حرفه‌ای داستان به وجود نیامده و تعداد ویراستاران داستان خیلی کم است. آن اعتماد و اطمینان بین نویسنده و ویراستار وجود ندارد. ویراستار باید قدرت تشخیص داشته باشد، شم و ذوق ادبی داشته باشد و بتواند با نویسنده همدلی ایجاد کند. در جامعه ما ویرایش بیشتر در حد اعمال شیوه رسم‌الخط و یکدست کردن متن و تعیین حروف است. اما در عین حال یک ویرایش غیررسمی وجود دارد. جلساتی بر گزار می‌شود که نویسنده‌ها داستان‌هایشان را برای هم می‌خوانند و ایرادهای کارشان را می‌فهمند. مرحوم گلشیری می‌گفت کتابی را چاپ نمی‌کنیم مگر اینکه قبیل ابوالحسن نجفی آن را خوانده باشد. آخر جلسه که وقت پرسش و پاسخ بود شهلا لاهیجی مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان گفت: این نحوه برخورد با کتاب برای ما بهشت گذشته است. ما داریم درباره کتابی که تیراژش ۱۵۰۰ نسخه است حرف می‌زنیم و تیراژ کتاب در آنجا برای ما رقمی افسانه‌ای است. نشر بیمار ما یک بیماری بزرگ‌تر هم دارد که تسلط از بالاست و ما کاریش نمی‌توانیم بکنیم؛ تسلطی که به خود اجازه می‌دهد حتی در بافت اثر دست ببرد. اینها برای ما افسانه است چون با نبودن حق کپی‌رایت داریم کتاب را می‌دزدیم. آیا قصه‌ای که درباره ویرایش کتاب می‌گوییم با وجود تیراژ ۱۵۰۰ نسخه امکان‌پذیر است؟ من به عنوان ناشر مجبورم کتاب‌ها را خودم بخوانم. اگر درصد ایجاد تحول در کار نشر هستیم، همدلی و هم‌نشی و همیاری نیاز داریم تا مشکلات را رفع کنیم. علی میرزایی سردبیر نگاه نو در جواب لاهیجی گفت: هر کسی که ماشین حساب دارد این عده‌هایی را که می‌گویم وارد کند. ۶۰ هزار عنوان در سال

ادبیات

گزارش ادبی هفته

ویراستار، نویسنده را صید می‌کند

مرضیه رسولی



انتشارات وایلی در آمریکا، کتاب‌های ویراستاری شده را به‌طور گسترده منتشر کرده است

توی فرم‌های ارزشیابی از ویراستاران می‌پرستد به نظر شما این کتاب چند نسخه می‌فروشد. اما اینجا وقتی از ویراستار می‌پرستد ویراستار نمی‌داند چون با بازار بیگانه است. آنجا ویراستار بعد از چاپ کتاب می‌رود توی یک کتابفروشی و با خریداران کتاب حرف می‌زند و نظرشان را درباره کتاب می‌پرسد و بازخورد می‌گیرد.

استفانی مهیر، جیمز پترسون و نورا رابرتز، انتشارات آشته فرانسه در روز ژوئیه اعلام کرد جیمز پترسون اولین نویسنده‌ای بود که بیش از یک میلیون کتاب الکترونیک فروخت. آمازون تأکید می‌کند از ۲/۱ میلیون ئی بوک نویسنده، ۸۸۱/۸۶۷ نسخه آن با فرمت کیندل بوده است. به گزارش ایبنا موسس و مدیرعامل آمازون هم با اشاره به اینکه این سایت اسمال پانزدهمین سال تاسیس‌اش را جشن خواهد گرفت، اعلام کرد: «طی ۱۰ سال گذشته کیندل بیشترین فروش را در سایت آمازون داشت. فروش در بخش مطالعه از وقتی قیمت را از ۲۵۹ دلار به ۱۸۹ دلار کاهش دادیم، سه برابر شده است؛ هر چند آپل و آی‌پد هنوز بازار مناسب خود را پیدا نکرده‌اند.»

الان رفت از تویسا حالش را پرسید. کیندل آمازون، وسیله‌ای الکترونیکی است که توسط شرکت آمازون ساخته شده و برای خواندن کتاب الکترونیکی و دیگر رسانه‌های دیجیتال به کار می‌رود. این وسیله که اولین نسخه آن در ۱۹ نوامبر ۲۰۰۷ به بازار آمد، در سه نسخه کیندل، کیندل ۲، کیندل دی‌ایکس تولید می‌شود.

توی آن کتاب تویسا مقاله‌ای هم دارد که نسخه علاج کسانی است که اعتقاد دارند خواندن ادبیات و داستان وقت تلف کردن است.

به هر کسی که می‌گوید مگر بیکارم رمان بخوانم یک نسخه از این کتاب را هدیه بدهید و بالای سرش بایستد تا این مقاله را بخواند، فوری خوب می‌شود.

را به مخاطره می‌اندازند. توی آن کتاب تویسا مقاله‌ای هم دارد که نسخه علاج کسانی است که اعتقاد دارند خواندن ادبیات و داستان وقت تلف کردن است. به هر کسی که می‌گوید مگر بیکارم رمان بخوانم یک نسخه از این کتاب را هدیه بدهید و بالای سرش بایستید تا این مقاله را بخواند، فوری خوب می‌شود. سایت آمازون که کارش فروش کتاب است اعلام کرده در بخش کتاب الکترونیکی کیندل فروش بیشتری دارد تا کتاب‌های کاغذی. درسه ماه اخیر، ۱۰۰ عنوان کتاب روی سایت خوانده شده و ۱۴۲ عنوان کتاب الکترونیکی در بخش کیندل به فروش رفته است.

فروشگاه کیندل از این به بعد بیش از ۶۳۰ هزار عنوان کتاب را که ۵۱۰ هزار عنوان آن کمتر از ۱۰ دلار قیمت دارد، عرضه خواهد کرد. آمازون اعلام می‌کند پنج نویسنده هر کدام بیش از ۵۰۰ هزار نسخه قابل خواندن روی کیندل فروخته‌اند که عبارتند از کارلین هریس، استیگ لارسن،



انتشارات وایلی در آمریکا، کتاب‌های ویراستاری شده را به‌طور گسترده منتشر کرده است

یادداشت

اینترنت و از بین بردن مهارت‌های خواندن

مطالعه آنالاین سبب بی‌دقتی در خواندن و سطحی‌خوانی می‌شود، این‌د در حالی است که تحقیقات وب نشان می‌دهد ذهن ما با وجود لیک‌ها، ویدئوکلپ‌ها، عکس‌ها، آگهی‌ها، تصاویر برجسته، آی‌میل‌ها، متن‌ها یا پیغام‌هایی برای چت پریشان می‌شود و سبب قطع تمرکز و قوه ادراک شده و حافظه را پس از مدتی ضعیف می‌کند.

با پیشرفت علم و تکنولوژی، عصر جدیدی از تاریخ آغاز می‌شود. این پیشرفت‌ها زندگی روزمره ما را تحت تاثیر قرار داده و به مرور آنها را تغییر می‌دهد. اختراع صنعت چاپ، اتومبیل یا کامپیوتر می‌تواند بیان‌کننده این امر باشد. پس از کشف روش‌های جدید دستیابی به اطلاعات تعدادی آن را مورد تمجید و ستایش قرار داده و عده‌ای نیز به مخالفت با آن پرداخته و محکومش می‌کنند چرا که معتقدند برخی روش‌ها باعث کاهش هوش بالقوه انسان می‌شود. سقراط همیشه تکران بود و اعتقاد داشت که نوشتن باعث کاهش کاربرد حافظه می‌شود. «برنابای‌ریچ» نویسنده قرن هفدهم نیز به تعداد زیادی از کتاب‌هایی که در آن زمان موجود بود عنوان «یکی از بزرگ‌ترین بیماری‌های سال» را داد.

امروزه اینترنت به عنوان رسانه‌ای در برگزیده آخرین اطلاعات، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در کتاب تامل‌برانگیز «تیکولاس کار» با عنوان «سطحی‌نگرها، اینترنت چه بر سر مغز ما می‌آورد؟» نویسنده این کتاب اگرچه پدیده جدید اینترنت را به طور کلی بررسی می‌کند، اما تمرکز خود را بر آثار منفی اینترنت قرار داده است و نشان می‌دهد که چگونه اینترنت حتی طرز فکر و شیوه نوشتن ما را نیز تغییر می‌دهد. «تیکولاس کار» به یافته‌های بسیار زیادی که در تحقیقاتش به دست آورده اشاره می‌کند و می‌گوید: اینترنت مغز ما را نیز تغییر می‌دهد. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که بر خلاف استنباط‌های پیشین، مغزهای به حد رشد رسیده نیز قابل تغییر هستند و می‌توانند حتی فعالیت‌های باغفل را نیز تغییر دهند.

این واضح و روشن است که چطور اینترنت زندگی روزمره ما را تغییر می‌دهد. افسرد می‌توانند تقریباً با هر کسی در هر جایی از جهان ارتباط برقرار کنند و اطلاعات را در هر لحظه تنها با چند کلیک روی ماوس به دست آورند. اینها همه راه‌های مثبتی هستند که به پیشرفت زندگی ما کمک می‌کنند. اما سوال اینجاست آیا این تغییرات که با کاربرد اینترنت در ذهن ما به وجود می‌آید مفید است یا زیان‌آور؟ تحقیقات نشان می‌دهد خواندن آنالاین، برخی مهارت‌ها از جمله هماهنگی دست و چشم، بازتاب سریع پاسخ، پیشرفت تدریجی و مداوم علائم دیداری و مشکلات حل مسائل را گسترش می‌دهد.

اما تغییرات مغز در حین خواندن در اینترنت نکات ضعیفی نیز دارد. از جمله وجود ضعف‌هایی در فکر کردن، عدم توانایی در خلاصه کردن واژگان، مشکلاتی در زمینه دسته‌بندی مطالب، مشکلات تفکر، حل مشکلات استنتاجی، ناتوانایی در تفکر منتقدانه و مشکلاتی در زمینه کاهش سطح خیل.

اینترنت همچنین شیوه‌های خواندن ما را نیز تغییر می‌دهد. مطالعه آنلاین سبب بی‌دقتی در خواندن و سطحی‌خوانی می‌شود، این در حالی است که تحقیقات وب نشان می‌دهد ذهن ما با وجود لیک‌ها، ویدئو کلپ‌ها، عکس‌ها، آگهی‌ها، تصاویر برجسته، آی‌میل‌ها، متن‌ها یا پیغام‌هایی برای چت پریشان می‌شود و سبب قطع تمرکز و قوه ادراک شده و حافظه را پس از مدتی ضعیف می‌کند. خواندن از روی صفحات وب باعث تبدیل اطلاعات به ذره‌ها و تکه‌های کوچکی می‌شود که سبب می‌شود تا خواننده به سادگی از روی اطلاعات بدون به خاطر سپردن آنها بگذرد. در این صورت مغز فعال مناسبی برای ذخیره اضافه بار اطلاعات می‌شود و این یعنی تنها امتحان از راه کددار کردن اطلاعات و نه خواندن عمیق برای دریافت معنی. با پیشرفت اینترنت در زندگی روزمره افراد، دیگر آنها به مرور نمی‌توانند نوشته‌های طولانی را بخوانند و آنها را در ذهن خود تجزیه و تحلیل کنند. آنها نمی‌توانند در حین خواندن متمرکز شوند و توانایی تمرکز خود را از دست می‌دهند و ترجیح می‌دهند نوشته‌های خلاصه و مختصر را روی اینترنت بخوانند و وقت بیشتری را در اینترنت بگذرانند تا خواندن یک کتاب جایی. طی یافته‌های اخیر، افراد جوان که با اینترنت بزرگ شده‌اند نمی‌توانند از چپ به راست بخوانند، آنها توانایی خواندن نوشته‌های طولانی را ندارند و بیشتر اجمالی می‌خوانند. مطالعات دیگر بیانگر این است که با پیشرفت اینترنت، دانشگاهیان کمتر تمایل به خواندن کتاب دارند. تحقیقات نشان می‌دهد زمانی که ما متن چاپی را می‌خوانیم، بخش‌های مختلف مغز فعال می‌شوند، درست برخلاف زمانی که در اینترنت می‌خوانیم.

زمانی که ما متن‌های خطی می‌خوانیم فعالیت‌های زیادی در زبان، حافظه و مراحل دیداری در مغز ما انجام می‌شود. اما در قسمت‌های تصمیم‌گیری مغز و محل‌های حل مشکلات هیچ‌گونه فعالیتی وجود ندارد، اما هنگام استفاده از متون اینترنتی تمام این مناطق مغز ما فعال می‌شود. اگرچه «سقراط»، «ریچ» و دیگران از تاثیر حروف نوشتنی و کتاب بسیار نگران هستند، اما در نهایت متون خطی به بهبودی حافظه و یادگیری کمک می‌کند. خواندن روی صفحات وب، لزوماً همیشه بد نیست و نکات مثبتی نیز دارد اما شاید هر دو نوع خواندن مفید باشند. تمام تحقیقات نشانگر این است که با وجود سودمند بودن اینترنت اما هنوز خواندن متون چاپی پیشنهاد می‌شود چرا که توانایی‌های مغز را بهبود می‌بخشد. شاید دلاویسی‌های اخیر درباره اینترنت، راهکار بسیار خوبی برای استفاده از مغز و یادگیری در آینده باشد.

منبع: تریبون‌نیوز، ایبنا
معاون مطبوعاتی ارشاد تصریح کرد: اگر دیگران از کتاب به شکل‌های مختلف سواسم‌استفاده کرده‌اند، مسلمانان قداست و حرمتی بیشتر از دیگران برای کتاب قائل هستند. در طول تاریخ، تمدن‌هایی ماندگار شدند که کتابت داشتند رامین برای همکاری بیشتر با نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور اعلام آمادگی کرد و گفت: این دولت یک دولت فرهنگی است و هرچه بتواند برای ارتقای کار نهاد تلاش می‌کند. باید این دولت را منتقم شمرد.